



Pathology of evaluating Iran's cultural policies In relation to banning the use of satellite networks

Mohamad Ghiacy¹ | Seyed Esmaeil Hoseiny Goli² | Mohammad Ali Khosravi³ | Babak Naderpur⁴

Abstract

Cultural policy indicators have focused on aspects of culture, but in policy structures, parameters such as education, social institutions, historical trends, and especially the economy, the basis of culture have been introduced and are important when evaluating cultural policies. The purpose of this pathological research is to evaluate Iran's cultural policies in banning the use of satellite networks. The current research is a quantitative study in terms of purpose, practical and in terms of data collection, and the statistical population of the research was 15 media policy experts. First, indicators related to the evaluation of cultural policies regarding the type of operation of satellite networks were identified with the gray Delphi technique, and the importance of the approved indicators was determined with the Savara-based expert technique. The results showed the lack of evaluation indicators related to economic, educational and social policies in the heart of cultural policies, the lack of convergence regarding the formulation and implementation of the country's cultural engineering plan in the past, the lack of formulation of a policy model in the face of satellite networks, the lack of attention and evaluation of perception wars. and cognitive, lack of evaluation of the alignment of formulated policies with intellectual diversity and generational gap in the society, lack of effective researches regarding the explanation of Imam Khamenei's intellectual system (Madazleh al-Aali) in the formulation of cultural policies, is one of the most important harms of evaluating cultural policies related to satellite networks.

Keywords: Cultural policies, evaluation pathology, satellite networks.

- 1 . Doctoral student of the Faculty of Political Science (general policy orientation), Islamic Azad University, Central Tehran branch. ghiacy@gmail.com
- 2 . Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Politics, Islamic Azad University, Tehran Branch, Center, Iran
- 3 . Assistant Professor, Department of Political Science, Islamic Azad University, Tehran Branch
- 4 . Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Politics, Islamic Azad University, Tehran Branch, Center, Iran



آسیب‌شناسی ارزیابی سیاست‌های فرهنگی ایران در ارتباط با منع استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای

محمدغیائی^۱ | سیداسماعیل حسینی گلی^۲ | محمد علی خسروی^۳ | بابک نادرپور^۴

چکیده

جمعیت به عنوان عاملی مؤثر در شکل‌دهی به قدرت کشورها به‌ویژه در ابعاد نظامی، سیاسی و اقتصادی مطرح است. به طوری که رشد جمعیت در یک جامعه و کشور به معنای قدرت بیشتر حاکمان به شمار می‌آید. از این رو معمولاً در مباحث نظری، مفهوم قدرت در ملی توانایی، قابلیت و ظرفیت یک کشور با یک ملت برای استفاده از منابع مادی و معنوی خودی با هدف اعمال اراده معنوی و تحصیل اهداف و منافع ملی تعریف می‌شود و از همین جاست که اهمیت عامل جمعیت در تولید قدرت ملی برجسته می‌شود لذا اگر این موضوع مورد بررسی و مطالعه قرار نگیرد، ممکن است در آینده با کم توجهی به این عامل به اقتدار ملی لطمات زیادی وارد شود.

با توجه به ماهیت موضوع، این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش آمیخته (ترکیبی) می‌باشد. جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات به دو روش میدانی و کتابخانه‌ای با استفاده از اسناد و مدارک، مصاحبه با صاحب‌نظران و پرسشنامه محقق ساخته صورت گرفته است. جامعه پژوهش اساتید دانشگاه، فعالان حوزه‌های سیاسی، نظامی، اجتماعی و اقتصادی تعداد ۱۲۰ نفر بودند که نمونه پژوهش با استفاده از جدول مورگان ۱۰۸ نفر تعیین شدند. پایایی سؤالات پرسشنامه بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۷۵۷ بدست آمده است و روایی پرسشنامه به تایید چند تن از اساتید اهل فن رسیده است که در نهایت جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از Spss ۲۶ استفاده گردید. نتایج نشان داد که جمعیت به عنوان یک عامل تعیین کننده در اقتدار ملی کشور است.

کلید واژه‌ها: قدرت ملی، اقتدار ملی، جمعیت، قدرت نظامی.

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری سیاستگذاری عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

ghiacy@gmail.com

۲. استاد، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

۳. استاد، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

۴. استاد، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران.

مقدمه

سیاست‌گذاری عمومی در پاسخ به مسئله‌ای که نیاز به توجه دارد، ایجاد می‌شود و به شکل مجموعه‌ای از قوانین و مقررات بر یک موضوع یا مشکل خاص حاکم است تا به سمت هدف یا حالت مطلوب، جهت‌گیری نماید (Smith et al, 2014). حتی اگر ایده‌ها از خارج از دولت یا از طریق تعامل دولت و مردم باشد، سیاست‌گذاری توسط دولت‌ها انجام می‌شود. یکی از چالش‌های سیاست‌گذاری این است که بخشی از یک فرآیند در حال انجام است که همیشه شروع یا پایان مشخصی ندارد، زیرا تصمیمات در مورد اینکه چه کسی از سیاست‌ها سود می‌برد و چه کسی بار ناشی از این سیاست را بر دوش می‌کشد، به طور مداوم مورد بازنگری قرار می‌گیرد. سیاست‌گذاری عمومی در طول چند سال شکل می‌گیرد و نهادهای متعددی وجود دارند که در شکل‌گیری و جزئیات یک سیاست کمک می‌کنند (Lemma et al, 2022). در مجموعه عناوین سیاست‌گذاری عمومی، سیاست‌های فرهنگی بالاترین اهمیت را دارد. این اهمیت از این روست که سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در فرآیند توسعه پایدار کشورها تعریف می‌شود. لذا سنجش و ارزیابی میزان موفقیت یا عدم موفقیت سیاست‌گذاری در حوزه فرهنگ، نیازمند نگاهی واقع‌بینانه در سایه آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری‌ها است. ارزیابی و پایش بهنگام سیاست‌های حوزه فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند در موارد زیر قابل اهمیت باشد:

- ۱- تعیین میزان تاثیرگذاری سیاست‌های اتخاذ شده در یک طیف زمانی مشخص با توجه به شکاف‌های نسلی متعدد
- ۲- شناسایی بازیگران محیطی و سنجش میزان دخالت و محرک‌های رفتاری آن‌ها در عملکرد سیاست‌ها.
- ۳- تعیین میزان ارزیابی پیامد سیاست‌های تدوین شده بر ردپای پیشرفت‌های اقتصادی.
- ۴- ارزیابی محدودیت‌های ایجاد شده توسط سیاست‌های تدوین شده.
- ۵- ارزیابی نوآوری‌ها و خلاقیت‌ها در کاهش شکاف‌های ایجاد شده از محدودیت‌ها
- ۶- ارزیابی خدمات و محصولات جایگزینی که در سیاست‌ها تدوین شده مورد تاکید می‌باشد.

۷- ارزیابی همسویی سیاست‌های تدوین شده با تنوع اقلیمی، جغرافیایی، فرهنگی و سیاسی مخاطبین.

۸- ارزیابی نقاط قوت، نقاط ضعف، آسیب‌ها و تهدیدات سیاست‌های تدوین شده

۹- ارزیابی همسو بودن سیاست‌های تدوین شده با برنامه‌های توسعه‌ای ۵ ساله (ابلاغی از سوی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی))

۱۰- ارزیابی ابعاد آموزشی، اجتماعی و مدنی سیاست‌های تدوین شده

۱۱- ارزیابی نظامات حقوقی سیاست‌های تدوین شده مبتنی بر نظرات موافقان و مخالفان.

با توجه به موارد بیان شده، نقش ارزیابی‌های بهنگام و دقیق سیاست‌های فرهنگی به اندازه تدوین سیاست‌ها، مهم و تعیین کننده است. یکی از مهمترین موارد افتراقی بین سیاست‌های حوزه فرهنگی با سایر سیاست‌ها، نقش‌پذیری آن با در نظر گرفتن مقتضیات زمانی و نوع مخاطبین است و در هنگام سنجش و ارزیابی میزان موفقیت یا عدم موفقیت سیاست‌گذاری در حوزه فرهنگ، نگاهی واقع‌بینانه در سایه آسیب‌شناسی ارزیابی سیاست‌گذاری‌ها لازم و ضروری است. این پژوهش به دنبال آسیب‌شناسی ارزیابی سیاست‌های فرهنگی در حوزه منع استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای است. سیاست‌های اتخاذ شده در خصوص شبکه‌های ماهواره‌ای، ارتباط تنگاتنگی با نوع مواجهه نسل‌های مختلف انقلاب اسلامی ایران دارد و رشد فزاینده این شبکه‌ها با گرایش نسل‌های سوم و چهارم مواجه شده است و نقدهای متعددی بر سیاست‌های تدوین شده در مورد منع استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای شکل گرفته است. به همین دلیل سیاست‌گذاران فرهنگی، باید ارزیابی‌های دقیق‌تری نسبت به گذشته داشته باشند تا بتوان بازنگری بهنگامی بر سیاست‌ها ایجاد نمود. با توجه به خلا ایجاد شده در این زمینه، پژوهش حاضر بنا دارد به آسیب‌شناسی ارزیابی سیاست‌های فرهنگی در مواجهه با شبکه‌های ماهواره‌ای بپردازد و به این سئوالات پاسخ دهد که از دیدگاه خبرگان، آسیب‌های اصلی مرحله ارزیابی سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در منع استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای چیست و کدام یک از آن‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار است.

مبانی نظری پژوهش

ارزیابی سیاست‌گذاری

در هنگام ارزیابی سیاست‌گذاری، متناسب با پیچیدگی، نوع سیاست‌ها، بازیگران اجرایی و همچنین اهداف و برنامه‌های از پیش تعیین‌شده، می‌توان از روش‌هایی کمی مانند مدل‌سازی مبتنی بر عوامل، رویکردهای مطالعه موردی، مدل‌سازی سیستم‌های نرم، شبیه‌سازی نمودارها در دینامیک سیستم‌ها، ردیابی فرآیند، تحلیل مقایسه‌ای کیفی، تجزیه و تحلیل شبکه اجتماعی و رویکردهای مشترک یا اکتشافی استفاده نمود. به طور کلی ارزیابی سیاست‌های اجرا شده، باید موارد زیر را پوشش دهد (Johnson, 2021):

- تطبیق برنامه ارزشیابی متناسب با ویژگی‌های موضوع ارزیابی
- استفاده از ابزارهای متنوع ارزیابی، متناسب با موضوع، کارکرد، مخاطبین و اهداف ترسیم شده
- ساخت مدل‌های مبتنی بر تجربه، بدون استفاده از ساختارهای بیش از حد پیچیده
- در نظر گرفتن پیچیدگی وابستگی‌های متقابل، عدم قطعیت‌ها و فرآیندهای نوظهور
- ترکیب یک چارچوب سیستم محور ارزیابی، با تمام روش‌های ارزیابی مرسوم.
سیاست‌های ارزیابی باید شامل تعریف نقش‌ها و مسئولیت‌ها، تشریح نحوه برنامه‌ریزی، مدیریت و بودجه‌بندی عملکرد ارزیابی و یک بیانیه روشن در مورد انتشار سیاست‌های غیر مفید باشد. یافته‌ها به طور معمول برای ذی‌نفعان و عموم مردم منتشر می‌شوند تا شفافیت سیاست‌ها را افزایش داده و نشان دهند، چگونه سیاست‌ها را برای آینده بهبود می‌بخشند. توصیف وضعیت، بر اساس شواهد جمع‌آوری شده (با کمک شاخص‌های زمینه) است. این شواهد اساس تجزیه و تحلیل نقاط قوت، ضعف، آسیب‌ها است که در آن ذی‌نفعان در مورد نیازها و مشکلات احتمالی که باید بر آن‌ها غلبه کنند، بحث و بررسی می‌نمایند (Rothgang and Lageman, 2022).
در هنگام طراحی سیاست، باید مشخص شود که چه خروجی‌هایی برای ورودی‌های تخصیص یافته مورد انتظار است؟، چه نتایجی می‌تواند با این خروجی‌ها برای رفع نیازهای گروه ذی‌نفعان سیاست ایجاد شود؟ و چه تاثیراتی بر روی کل محیط سیاست دارد؟. تدوین اهداف، ورودی‌ها، خروجی‌ها، نتایج و تاثیرات تعریف شده تعیین می‌کند که از کدام شاخص‌ها برای اندازه‌گیری

دستیابی به این اهداف و اثرات مشاهده شده استفاده شود (Laatsit and Borrás, 2019). در ارزیابی سیاست گذاری، باید با ایجاد یک چارچوب ارزیابی و شناسایی روش های مناسب، به طراحی ارزیابی پرداخته و با مشارکت ذی نفعان و مخاطبین به جمع آوری، پردازش و تحلیل داده ها اقدام نمود. (Mergoni, 2021 and Witte). انواع مختلفی از ارزیابی وجود دارد و هر یک از آن ها نقش خاصی را در طول چرخه سیاست ایفا می کنند. ارزیابی های قبل از اجرا، با تحلیل زیرساخت ها، فرهنگ ها و الزامات پیاده سازی و پس از اتمام مداخله سیاست گذاری انجام می شود تا دستاوردهای اهداف، نتایج و تأثیرات سیاست را نشان دهد. ارزیابی در حین اجرا که به عنوان مهمترین نوع ارزیابی شناخته می شود، به صورت کوتاه مدت و میان مدت، به بررسی میزان دستیابی به اهداف تعیین شده می پردازد و معمولاً به صورت پراکنده و تصادفی، برای برخی از اهداف انجام می شود (Uyerra and Ramlogan, 2021). ارزیابی سیاست ها در راستای چشم انداز ترسیم شده در طول ارزیابی میان مدت انجام می شود، به گونه ای که کارشناسان و تحلیلگران، اطلاعات بروز را در مورد نحوه عملکرد ارائه می کنند تا سیاست گذاران، سیاست را در حین اجرای آن هدایت و تنظیم نمایند. یافته های ارزیابی در طول دوره اجرا، برای طراحی چرخه سیاست بعدی مفید بوده و از ایجاد شکاف بین چرخه های سیاست جلوگیری می کند (Treasury, 2020). اطلاع از میزان دستیابی به اهداف و چشم اندازهای ترسیم شده، به ارزیابان اجازه می دهد، راهنمایی های قوی و خلاقانه به مدیران راهبردی ارائه دهند. همچنین وجود ساز و کار ارزیابی در سراسر چرخه سیاست گذاری، می تواند در شناسایی اولویت ها و همچنین دریافت آسیب ها و مشکلات پیاده سازی سیاست ها نقش موثر و تعیین کننده ای داشته باشد و کیفیت ارزیابی نهایی را بهبود بخشد (Johnson, 2021 and Giorgi).

سیاست گذاری فرهنگی

اولین مرحله در سیاست گذاری فرهنگی، تعریف فرهنگ و شناسایی متغیرهای اساسی آن است که دامنه و گستردگی سیاست ها و حیطه عمل مدیران را مشخص می کند. تأثیر دیگر تعریف فرهنگ بر سیاست گذاری فرهنگی، تعیین شاخص هایی است که تمرکز برنامه ریزی را به صورتی شفاف ممکن می سازد (عالم و بدیعی، ۱۳۹۹). مقوله فرهنگ، یکی از حساس ترین،

تاثیرگذارترین و مهمترین مسائلی است که پیشرفت پایدار کشورها به آن گره خورده است (کابلی، ۱۴۰۰). نظریه سیاست فرهنگی، به عنوان یک رویکرد تحلیل تطبیقی نظری و روش‌شناختی در ۲ حوزه بررسی هویت ملی و دولت-ملت و همچنین پدیده‌های دموکراسی مطرح شده است. یکی از تعریف‌های رایج بیان می‌کند، فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای شامل دانش، باورها، هنرها، اخلاقیات، قوانین، آداب و رسوم و هر قابلیت و عادت دیگری است که انسان به عنوان عضوی از جامعه کسب می‌کند. از آنجایی که فرهنگ با اشکال مختلف زندگی انسان ارتباط دارد، هویت، معنا، ارزش، آرزوها و حس مکان را به انسان می‌بخشد، سیاست فرهنگی، شکل‌دهنده فرهنگ، نگرش‌ها، عقاید، باورها و دیدگاه‌های مردم و همچنین رسانه‌ها و هنرها، جامعه و افکار سیاسی است و واقعیت‌های اجتماعی، اقتصادی و حقوقی را پدید می‌آورد و شامل فعالیت‌ها، قوانین و برنامه‌های دولتی است که فعالیت‌های مرتبط با هنر و بخش‌های مختلف فرهنگ را کنترل، محافظت و حمایت می‌کند (Papazoglou, 2019). سیاست‌های فرهنگی، از جانب دولت به صورت مصوب ارائه می‌شود تا زمینه‌ای برای مدیریت فرهنگی باشد به منظور بررسی دقیق سیاست‌های فرهنگی، باید به مواردی همچون فرهنگ، محدوده فرهنگ، ویژگی‌های اجتماعی فرهنگ، دلایل نیاز به سیاست‌گذاری برای فرهنگ و علل تدوین آن، سرمشق‌های سیاست‌گذاری فرهنگی و همچنین اجزای سیاست فرهنگی توجه نمود (نارمکی، ۱۳۹۰). در مجموع می‌توان تعیین و تدوین اصول و تمام فعالیت‌های عمومی را که بازیگران دولتی و غیر دولتی در عرصه‌های فرهنگی-هنری صرف یا عرصه‌های مرتبط با فرهنگ، در سطح عمومی انجام می‌دهند به عنوان سیاست‌گذاری فرهنگی نامید (همایون و فرج نژاد، ۱۳۹۳). در ادامه سیاست‌های فرهنگی در برنامه‌های توسعه ۵ ساله که توسط امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ابلاغ شده است، بررسی و سپس آسیب‌شناسی اجمالی از سیاست‌های فرهنگی ارائه می‌شود.

سیاست‌های فرهنگی در برنامه‌های توسعه ۵ ساله

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در تدوین و ابلاغ برنامه پنجم توسعه، تکمیل و اجرای طرح مهندسی فرهنگی کشور و تهیه پیوست فرهنگی برای طرح‌های مهم، تقویت قانونگرایی و انضباط اجتماعی، مقابله با جریانات انحرافی در حوزه دین و زدودن خرافات و موهومات و همچنین

استفاده بهینه از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برای تحقق اهداف فرهنگی نظام را مورد توجه قرار داده‌اند. ایشان در ابلاغ برنامه ششم توسعه، تعالی و مقاوم‌سازی فرهنگی را به عنوان کلیدواژه مهم در امر سیاست‌گذاری فرهنگی معرفی و بسترسازی فرهنگی، دستیابی به آرمان‌های سند چشم‌انداز مبنی بر تحقق توسعه متناسب با مقتضیات فرهنگی با اتکا به حفظ و ارتقا ارزش‌ها، آزادی‌های مشروع و مردمسالاری دینی، اصول و فضائل اخلاقی، کرامت و حقوق انسانی، هویت و انسجام ملی و همچنین حمایت از تولیدات و محصولات فرهنگی را مهم دانستند. ایشان در ابلاغ برنامه هفتم توسعه در سال ۱۴۰۱، ضمن توجه به اعتلا فرهنگ عمومی در جهت تحکیم سبک زندگی اسلامی - ایرانی، تقویت همبستگی و اعتماد به نفس ملی و ارتقاء هویت ملی و روحیه مقاومت، به تقویت کارایی و اثربخشی رسانه‌های ملی در مواجهه موثر با جنگ روانی و تهاجم فرهنگی دشمنان تاکید داشتند و توسعه صنعت گردشگری، تحکیم نهاد خانواده و ارتقاء سلامت اجتماعی و پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی و بهره‌گیری حداکثری از مشارکت مردم را در سند برنامه هفتم توسعه، قابل اهمیت دانستند.

آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران

در سند سیاست‌های فرهنگی کشور (مصوب سال ۱۳۷۱)، پارامترهای تصور مغایر بودن شریعت اسلامی با هرگونه نوآوری و برداشت نادرست از بعضی مفاهیم دینی، سوءظن به مردم و میل به تجسس در زندگی شخصی و تفسیر نادرست اعمال آن‌ها، بی‌اعتنایی به امور و ارزش‌های ملی در جامعه، بی‌توجهی نسبت به ارزش‌های معنوی، مبانی و مواضع اصولی و همچنین بازخواست نکردن از کسانی که قوانین را بنابر رای خود تفسیر و اجرا می‌کنند، به عنوان چالش‌های پیاده‌سازی سیاست‌های فرهنگی معرفی شده‌است. برابر مطالعه مقتدائی و ازغندی (۱۳۹۵)، بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای متولی سیاست‌گذاری فرهنگی، با اینکه بخش اعظمی از بودجه‌های فرهنگی را در اختیار دارند، ارزیابی نمی‌شوند و خروجی عملکرد آن‌ها مورد توجه قرار نمی‌گیرد. آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری فرهنگی را می‌توان در ۳ قسمت شکل‌گیری، اجرا و ارزیابی طبقه‌بندی نمود. آسیب‌های نظری و مطالعاتی، عدم توجه کافی به مدیریت تنوع قومی، اقدامات موازی سازمان‌های فرهنگی، فقدان نظام منسجم و یکپارچه آمارهای فرهنگی، خلط

اهداف کلان با سیاست‌ها و محوریت اصول سیاست فرهنگی ایران، از مهمترین آسیب‌های سیاست‌گذاری فرهنگی هستند (مقتدایی و ازغندی، ۱۳۹۵). بررسی‌ها نشان داده است، هماهنگی و همسویی لازم بین دستگاه‌های ذیربط در اجرای سیاست‌های فرهنگی وجود ندارد زیرا در ساحت نظری، ایده‌ها و اهداف بیان می‌شوند ولی در عمل برنامه‌های اجرایی ارتباط منطقی و قابل سنجشی با آرمان‌ها و سیاست‌ها تدوین شده فرهنگی در حوزه رسانه‌های جدید ندارند. برای پایه‌گذاری سیاست‌گذاری موفق در بخش فرهنگی، نیازمند تدوین معیارها و مبانی روشن برای سیاست‌گذاری فرهنگی و قوی‌تر بودن وفاق ارزشی و مبانی دینی؛ تغییر نگاه تصدی‌گرایانه دولت به سمت نظارت و کنترل راهبردی، ایجاد یک نظام ارزشیابی سیاست‌گذاری فرهنگی فعال در تمام مراحل فرایند سیاست‌گذاری و همچنین ممانعت از موازی‌کاری بین دستگاه‌های متولی سیاست‌گذاری فرهنگی، ضروری است (مطلبی و همکاران، ۱۳۹۶). همچنین در پژوهش عالم و بدیعی (۱۳۹۹)، عدم التزام به اصول علمی تدوین سیاست، ضعف در تعریف مسائل فرهنگی، عدم تعریف مفاهیم و ارزش‌های بنیادین، کلی‌گویی و نبود آمار و اطلاعات، سیاست‌گذاری غیر تعاملی، درک متفاوت از وضعیت موجود و مطلوب فرهنگی کشور، کمبود وفاق بین مراجع سیاست‌گذاری و اجرا، بی‌اعتمادی مجریان نسبت به سیاست‌ها، اجرای ضعیف و غیرعقلایی سیاست‌های فرهنگی، نبود نظریه فرهنگی بومی مورد اجماع، نبود نهاد مرکزی انسجام‌بخش و مقبول در نظام فرهنگی کشور و عدم تحول نهادی متناسب با تغییر نگرش‌ها پس از انقلاب، از مهمترین آسیب‌های سیاست فرهنگی معرفی شد (عالم و بدیعی، ۱۳۹۹).

آسیب‌های فرهنگی اشاره شده، در حوزه شبکه‌های ماهواره‌ای که به عنوان یک رسانه چالش برانگیز، شناخته می‌شوند، نیازمند توجه و ارزیابی عمیق‌تری است. بررسی ادبیات پژوهشی نشان داده است، مطالعات اندکی در پیاده‌سازی سیاست‌های فرهنگی در حوزه شبکه‌های ماهواره‌ای، صورت گرفته است و می‌توان گفت، آمارهای دقیق و قابل استنادی در این زمینه وجود ندارد. شکاف نسلی ایجاد شده در جامعه و کاهش سرمایه اجتماعی رسانه‌های داخلی وضعیت مطلوب دست‌یابی به سیاست‌های فرهنگی در حوزه شبکه‌های ماهواره‌ای را مبهم نموده است. ارزیابی سیاست‌های فرهنگی اتخاذ شده در این حوزه به صورت سطحی و با در نظر گرفتن نظرسنجی‌های پراکنده انجام گرفته است و می‌توان گفت، برای سیاست‌های فرهنگی اتخاذ شده

ارزیابی‌های قبل از اجرا و حین اجرا وجود ندارد. روزآمد نمودن سیاست‌های فرهنگی و مهندسی نمودن سیاست‌های فرهنگی، یکی از مطالبات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در برنامه‌های توسعه‌ای ۵ساله بوده است، که در گذشته به آن پرداخته نشده است و پژوهش‌هایی در این زمینه انجام نشده است. نبود الگوی سیاست‌های فرهنگی در حوزه شبکه‌های ماهواره‌ای سبب شده است تا نظریه فرهنگی بومی در این زمینه وجود نداشته باشد و کلی‌نگری در خصوص فرصت‌ها، آسیب‌ها و تهدیدات در این حوزه وجود داشته است. با توجه به تغییرماهیت تهدیدات دشمن به سمت جنگ‌های شناختی و ادراکی، سیاست‌های فرهنگی در حوزه شبکه‌های ماهواره‌ای مبتنی بر شرایط و زمان تغییری نداشته است و در مواجهه با شبکه‌های ماهواره‌ای جایگاه سیاست‌های اقتصادی و آموزشی بسیار ضعیف است.

قانون منع به کارگیری شبکه‌های ماهواره‌ای

رسانه‌های جدید، هم به لحاظ شکلی و هم به لحاظ محتوایی در بازسازی و ساختاربندی مجدد زندگی اجتماعی نقشی اساسی ایفا می‌نماید که البته ممکن است مسائل و آسیب‌های فرهنگی-اجتماعی متعددی را به وجود آورد. به نظر می‌رسد سیاست‌گذاری در مورد چگونگی مواجهه با شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای در ایران، به امری غامض و پیچیده تبدیل شده است. از سویی پیشرفت‌های فناوری و تنوع نیازهای مخاطبان، عملاً امکان ممنوعیت کامل دریافت برنامه‌های این شبکه‌ها را از میان برده و مسائل مهمی مانند جنگ نرم و رسانه‌ای مانع از بی‌توجهی به این مقوله شده است. در مورد سیاست دریافت برنامه شبکه‌های ماهواره‌ای، سیاست‌مداران، روشنفکران و مدیران سازمان‌های رسانه‌ای و عامه مردم نگرش‌های متفاوتی را ابراز کرده‌اند. آن‌هایی که رویکردهای نوسازی و ارتباطات توسعه‌گرا را ارجح می‌نهند، از ظهور و رواج آن استقبال نموده‌اند و آن‌هایی که بومی‌گرایی ناسیونالیستی یا فرهنگی را در قالب ملت‌سازی و مبارزه با امپریالیسم فرهنگی در نظر دارند، ماهواره را به دیده تردید و طرد نگریسته‌اند (نزاکتی، ۱۳۹۳). از سوی دیگر با حجم گسترده همکاری تبلیغات در شبکه‌های ماهواره‌ای مواجه هستیم و با نواقصی که در این قانون وجود دارد امکان پیگیری قضایی از اشخاص حقیقی و حقوقی که در بعد نرم‌افزاری اقدام به تبلیغات و همکاری با شبکه‌های فارسی زبان معاند می‌کنند

وجود ندارد. ناگفته نماند که انجام تمهیدات لازم برای کاهش آثار مخرب تهاجم فرهنگی از طریق مقابله با تبلیغات شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان و اجرای سیاست‌های مربوط به ممنوعیت هرگونه همکاری افراد حقیقی و حقوقی نیازمند یکپارچگی حقوقی و نظام‌مندی فرایندهای قضایی است. قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره، در سال ۱۳۷۳ به تصویب رسید. این قانون تنها به بخش سخت‌افزاری ماهواره‌ها توجه داشته و به حوزه محتوا و برنامه ماهواره‌ای ورود نداشته است. به مرور زمان و به علت ظهور استفاده‌های تجاری ماهواره و امکان تبلیغ کالا و خدمات در شبکه‌های ماهواره‌ای نیاز به تدوین مقررات و تنظیم چارچوب این فعالیت‌های تبلیغاتی بیش از پیش احساس شد. در سال ۱۳۸۵ بخشنامه‌ای مبنی بر ممنوعیت سفارش آگهی در شبکه‌های تلویزیونی فارسی‌زبان مستقر در خارج از کشور، از سوی دولت ابلاغ شد. طرح الحاق ماده واحده به قانون ممنوعیت بکارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره در تاریخ سال ۱۴۰۰ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. طبق ماده الحاقی، تبلیغ هرگونه کالا و خدمات از طریق شبکه‌ها که فهرست آن توسط کارگروه تخصصی ماهواره اعلام می‌گردد، ممنوع است و تولیدکنندگان، واردکنندگان و صاحبان کالا و ارائه‌دهندگان خدمات، مکلف هستند در قراردادهای منعقد شده با اشخاص حقیقی و حقوقی، ممنوعیت ارائه تبلیغ در شبکه‌های غیرمجاز را تصریح کنند. همچنین هر نوع همکاری با شبکه‌ها، رسانه‌ها و پلتفرم‌های موضوع ماده این قانون، به منظور تأمین و تولید محتوای و ساخت برنامه و آگهی و امثال آن، به میزان حسب مورد به یکی از مجازات‌های قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۰). در ادامه به منظور شناسایی آسیب‌های ارزیابی سیاست‌های فرهنگی، پیشینه پژوهش‌های انجام شده در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی و شبکه‌های ماهواره‌ای ارائه و با توجه به روش پژوهش، غربالگری و تعیین میزان اهمیت هر یک از آن‌ها انجام می‌شود.

پیشینه پژوهش

پورعلی و همکاران (۱۳۹۳)، با بررسی نگرش مردم نسبت به رعایت حقوق شهروندی در اجرای طرح برخورد با تجهیزات ماهواره، بیان داشتند، مخاطبان ماهواره در ایران خواهان اصلاح و بازنگری در شیوه برخورد با پدیده ماهواره هستند. از نظر آن‌ها، این امر ناشی از چند عامل اساسی

عدم رعایت حقوق شهروندی و حریم خصوصی در حین اجرای طرح و همچنین لزوم به کارگیری سازوکارهای فرهنگی به جای سازوکارهای قضایی است. نزاکتی (۱۳۹۳) بیان داشت، سیاست‌گذاری در مورد چگونگی مواجهه با شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای در ایران، به امری پیچیده تبدیل شده است. از سویی پیشرفت‌های فناوری و تنوع نیازهای مخاطبان، امکان ممنوعیت کامل دریافت برنامه این شبکه‌ها را از میان برده و از سوی دیگر مسائل مهمی مانند جنگ نرم، مانع از بی‌توجهی به این مقوله شده است. امیر انتخابی و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهش خود به ارائه الگویی جهت سیاست‌گذاری فرهنگی رسانه‌ها در ایران پرداختند، در این الگو، گزاره‌هایی مانند تأمین و تضمین دموکراسی و آزاداندیشی، کیفیت مطلوب اطلاع‌رسانی، تقویت انسجام اجتماعی، نظام مدیریت رسانه‌ای قدرت‌محور، خدمت‌محور و بازارمحور، توجه به آسیب‌ها و تهدیدات، اتخاذ، اجرا، ارزیابی و اصلاح سیاست رسانه‌ای، پاسخگو کردن رسانه‌ها به قانون و مردم، کاهش تصدی‌گری دولت در رسانه‌ها و گسترش همکاری با رسانه‌های مهم دنیا، معرفی شد. اصلان‌زاده (۱۳۹۴)، به آسیب‌شناسی سیاست‌های فرهنگی پرداخت و بیان داشت، مقطعی بودن و اتخاذ تصمیمات سلیقه‌ای، ضعف مشارکت عمومی در سیاست‌های فرهنگی، عدم تفاهم صاحب‌نظران فرهنگی، تداخل وظایف و فعالیت‌های موازی نهادهای فرهنگی، فقدان نظام برنامه‌ریزی صحیح فرهنگی، ضعف آینده‌نگری و پویایی سیاست‌های فرهنگی با تغییر مقتضیات فرهنگی زمان و بویژه تغییرات نسلی در جامعه، غلبه منافع سیاسی و رویکردهای گروهی در اعمال سیاست‌های فرهنگی، امکان برداشت‌های مختلف و سلیقه‌ای از سیاست‌های فرهنگی، دخالت افراد غیر متخصص در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی و همچنین عدم صلاحیت برخی از متولیان و سیاست‌گذاران حوزه فرهنگ، از آسیب‌های سیاست فرهنگی در ایران است. صدری‌نیا (۱۳۹۴)، به ارزیابی قانون و ممنوعیت شبکه‌های ماهواره‌ای پرداخت و بیان داشت، به رغم فعالیت شبکه‌های متعدد صدا و سیما در کشور، میزان تمایل به برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای نه تنها کم نشده، بلکه به طور مداوم افزایش یافته است. مقتدائی و ازغندی (۱۳۹۵)، با هدف آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری فرهنگی بیان داشتند، برای داشتن سیاست‌گذاری‌های فرهنگی مطلوب، اعتماد نمودن به بخش‌های خصوصی، باید فرهنگ‌سازی شود. همچنین نگاه حکومتی دولت به سمت نظارت، تغییر پیدا کند. از طرف دیگر در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، باید واقعیت‌های بین‌المللی و

عصر ارتباطات، توجه به مدیریت تنوع قومی، حذف اقدامات موازی سازمان‌های فرهنگی و ایجاد نظام منسجم و یکپارچه آمارهای فرهنگی، مورد توجه قرار گیرد. نجات‌پور و همکاران (۱۳۹۶)، اظهار داشتند، هرگاه آسیب‌پذیری به حوزه فرهنگ جامعه راه یابد، سایر حوزه‌ها در چالشی فرساینده و بحران‌زا فرو رفته و بستر مناسبی برای گسترش ناهنجاری‌های گوناگون در کشور ایجاد می‌شود. مطلبی و همکاران (۱۳۹۶)، بیان داشتند با توجه به نقش تأثیرگذار رسانه‌های کلاسیک مانند شبکه‌های ماهواره‌ای، بر تمامی اعضای جامعه و به ویژه نسل‌های کنونی، برنامه‌ریزان فرهنگی نتوانسته‌اند سیاست‌گذاری فرهنگی مناسب و تأثیرگذاری برای این محیط طراحی کنند و باید با فهم روز آمد و واقع‌بینانه، سازوکارهایی متناسب با فضای جدید را طراحی نمایند. رضانی و همکاران (۱۳۹۸)، با بررسی آسیب‌شناسی نظام سیاست‌گذاری فرهنگی کشور با تأکید بر مفهوم مرجعیت بیان داشتند، ارزش‌های حاکم بر ایده‌ها و تصورات بازیگران عرصه سیاست‌گذاری، محتوای سیاست‌ها را شکل می‌دهد و آنچه در نتیجه ارزیابی وضعیت سیاست‌گذاری فرهنگی کشور از دریچه مرجعیت به دست می‌آید، ناشی از امکان یا امتناع در سیاست‌گذاری، دلیل سیاست‌گذاری، رویکرد مختار در اصل مداخله و سازوکار مداخله دولت در سیاست‌گذاری فرهنگی است. آقاجانی و حسین‌نژاد (۱۳۹۸)، بیان داشتند، الگوهای آنگلوکاکسون، قاره‌ای و اسکاندیناوی از مهمترین الگوهای سیاست‌گذاری فرهنگی در غرب می‌باشند. در الگوی آنگلوکاکسون که مبتنی بر ایدئولوژی لیبرالیسم است، دولت تنها نقش پشتیبان را دارد و مبنایی برای حمایت از فرهنگ عمومی و برنامه روشنی برای فرایند سیاست فرهنگی ندارد. الگوی قاره‌ای که مبتنی بر ایدئولوژی سوسیالیسم است، در مقابل تهاجم فرهنگی بیگانه واکنش نشان داده و از کالا و خدمات فرهنگی داخلی حمایت می‌کند و دولت در طراحی سیاست فرهنگی و ساماندهی نهادهای فرهنگی به صورت مستقیم تأثیرگذار است. در الگوی اسکاندیناوی، ضمن استقلال نهادهای محلی، دولت در نهادهای اصلی دخالت نسبی دارد و در مسیر دموکراسی فرهنگی، حمایت مالی خود را انجام و در عین آزادی انجمن‌های داوطلبانه و خصوصی، با تجاری شدن فرهنگ مقابله می‌کند. مظفر و همکاران (۱۳۹۸)، با هدف طراحی مدل سیاست‌گذاری فرهنگی رسانه ملی بیان داشتند، جنبه فرهنگی رسانه، آکنده از امور مجازی و دلالت‌های لفظی است و در فرایند سیاست‌گذاری، تحت تأثیر ساختارهای سازمانی قرار می‌گیرد. در نقطه مقابل، بخش تکنیکال

رسانه در عصر انفجار اطلاعات بر فرهنگ سیطره یافته و سیاست‌گذاری فرهنگی را به سمت ساختار فناورانه متمایل ساخته است. از نظر مهدی‌پور (۱۳۹۹)، اجرای الگوی ۳ وجهی ترویجی، فنی و حقوقی، با داشتن ابزار نظارتی مبتنی بر شفافیت، می‌تواند آسیب‌های ناشی از مجریان سیاست‌های فرهنگی و زیرساخت‌های معیوب آن را برطرف کند. در بعد ترویجی، ابزارهای تبلیغی و مشارکت عمومی مورد بررسی قرار می‌گیرند. در بعد فنی، تغییرات فناورانه به پایش آثار محتمل اجرایی شدن سیاست‌ها قبل از اجرایی شدن آن، می‌پردازد و در بعد حقوقی، رویکرد کلی رعایت تنبیه و تشویق است که در آن اعتباربخشی یا سلب آن، از طریق اعمال قدرت و ایجاد اقتدار، انجام می‌شود. اسلامی و جعفری‌مقدم (۱۳۹۹)، در پژوهش خود بیان داشتند، حکومت ایران در حوزه سیاست‌گذاری از ۴ لایه ساخت تئوکراتیک، دموکراتیک، بوروکراتیک و میلیتاری تشکیل شده‌است و هر ساخت دارای مبانی فکری یا باورهای بنیادین خاصی است که باعث اتخاذ راهبردها و اقدامات متفاوت و گاه متعارض شده‌است. بهترین راه ممکن برای غلبه بر این چندصدایی، تقویت جایگاه و قائل شدن نقش محوری برای نهادهای فراقوه‌ای است و راهکار آن هماهنگی در اجرا و انتخاب افراد اجرایی و مسئول در زمینه سیاست‌گذاری شبکه‌های اجتماعی است. از دیدگاه عبادی‌گناباد و دانشور (۱۳۹۹)، به دلیل تعدد مراجع تصمیم‌گیری و نهادهای سیاست‌گذاری و نبود الگوی جامع و مشخص برای سیاست‌گذاری در حوزه فرهنگ و همچنین تناقض در نوع ارتباط و هم‌کنشی نهادهای مداخله‌کننده، ابهامات زیادی در مسئولیت‌های فرهنگی کشور وجود دارد. فروزنده و همکاران (۲۰۱۹)، با نگاهی کل‌نگر به آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری در ایران بیان داشتند، عدم اجازه بیان به دیدگاه‌های متضاد در یک محیط خصمانه و حاکمیت پسند، وجود اهداف نامشخص و غیرواقع بینانه بدون داشتن درک درستی از انتظارات جامعه و همچنین بی‌توجهی به سیاست سرمایه‌گذاری مبتنی بر شواهد و واقعیت‌های جامعه، از مهمترین آسیب‌های ارزیابی و تحلیل سیاست‌گذاری در ایران است.

آسیب‌های سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران، عموماً در پیشینه پژوهش مورد توجه قرار گرفته‌است. اما ارزیابی سیاست‌های فرهنگی، به صورت مستقل و تخصصی، بررسی و آسیب‌شناسی نشده‌است. همچنین مطالعات انجام شده در زمینه شبکه‌های ماهواره‌ای به صورت کلی و جامع‌نگر بوده است و هیچ یک از پژوهش‌های انجام شده، به سیاست‌های فرهنگی اتخاذ

شده در این زمینه اشاره نموده است و در نتیجه آسیب‌شناسی سیاست‌های فرهنگی در منع استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای در دسترس نمی‌باشد و نمی‌توان به ارزیابی آن پرداخت. لذا این پژوهش از منظر شناسایی و تعیین میزان اهمیت آسیب‌های ارزیابی سیاست‌های فرهنگی در منع استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای دارای نوآوری می‌باشد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر رویکرد پژوهش یک مطالعه کمی و از نظر نوع روش توصیفی و اکتشافی است. با توجه به پژوهش‌های جانسون و همکاران (۲۰۲۱) و تریسوری (۲۰۲۰)، معیارهای مختلفی در آسیب‌شناسی ارزیابی سیاست‌های فرهنگی وجود دارد که شناسایی و تعیین میزان اهمیت آن‌ها نیازمند بهره‌مندی از پنل خبرگی و مبتنی بر چارچوب همگرایی نظرات در تکنیک‌های تصمیم‌گیری چند معیاره در فضایی غیرقطعی و نا اطمینان است. لذا در این پژوهش از فضای خاکستری^۱ و فازی^۲ استفاده شده. پس از گردآوری شاخص‌های احصا شده از مطالعات کتابخانه‌ای، از روش دلفی خاکستری^۳ به منظور شناسایی شاخص‌های نهایی با بهره‌مندی از نظرات و پیشنهادات تعداد ۱۵ نفر از خبرگان در جدول (۱) استفاده شد.

جدول (۱): اطلاعات خبرگان پژوهش

طیف کلامی	بی اهمیت	کم اهمیت	متوسط	با اهمیت	خیلی با اهمیت
طیف خاکستری	[1,2,5]	[0.5,3.5]	[1.5,4.5]	[2.5,5.5]	[3.5,5]
شناسه و برجسب	۱	۲	۳	۴	۵

برای ارزیابی اعداد خاکستری از یک بازه عددی استفاده می‌شود که با داشتن محدوده‌ای از اطلاعات می‌توان عوامل مطلوب مورد نظر را شناسایی نمود (همتی، ۱۳۹۷). اعداد خاکستری مانند سایر اعدادی که در فضای غیر قطعی قرار می‌گیرد، می‌بایست پس از تحلیل بوسیله خبرگان، به اعداد قطعی تبدیل شود که در این حالت به آن سفیدسازی گفته می‌شود. به همین منظور از میانگین حسابی برای تبدیل اعداد خاکستری به عدد سفید (قطعی) استفاده

1. Gray
2. Fuzzy
3. Gray Delphi

می‌شود (کریمی و همکاران، ۲۰۱۸). در این پژوهش به منظور ارزیابی اهمیت معیارها از کلاس 5 تایی متغیر زبانی در طیف خاکستری در جدول (۲) استفاده شده است.

جدول (۲): متغیرهای زبانی در طیف خاکستری (می ۱ و همکاران، ۲۰۱۱)

تحصیلات	فراوانی	سمت	فراوانی	سابقه خدمتی	فراوانی
دکتر	۱۱	هیئت علمی دانشگاه	۶	کم تر از ۱۵ سال	۵
کارشناسی ارشد	۴	مدیران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	۹	بیش از ۱۵ سال	۱۰

در ادامه به منظور تعیین وزن و اهمیت هر یک از شاخص‌ها از روش سوارای فازی ۲ استفاده شد. استفاده از مجموعه‌های فازی با توصیفات زبانی و گاه مبهم انسان سازگاری بیشتری دارد. همچنین سطح خطا با استفاده از مجموعه‌های فازی کاهش می‌یابد. در این پژوهش از طیف 9 سطحی فازی برای ایجاد تناظر بین عبارت‌های کلامی و اعداد فازی مثلثی جدول (۳)، استفاده شد.

جدول (۳): عبارت‌های کلامی در منطق فازی ۹ سطحی

عبارت کلامی	عدد فازی	امتیاز اعداد فازی
اهمیت بی نهایت زیاد	$\bar{9}$	(8,9,9)
بین اهمیت زیاد و بی نهایت زیاد	$\bar{8}$	(7,8,9)
اهمیت زیاد	$\bar{7}$	(6,7,8)
بین اهمیت متوسط و اهمیت زیاد	$\bar{6}$	(5,6,7)
اهمیت متوسط	$\bar{5}$	(4,5,6)
بین اهمیت کم و اهمیت متوسط	$\bar{4}$	(3,4,5)
اهمیت کم	$\bar{3}$	(2,3,4)
بین اهمیت کم و بی نهایت کم	$\bar{2}$	(1,2,3)
اهمیت بی نهایت کم	$\bar{1}$	(1,1,1)

1. Me
2. Fuzzy Step-Wise Weight Assessment Ratio Analysis

ارزش فازی هر متغیر، با استفاده از رابطه (1) محاسبه شد. که در آن x_{ij} ، مقدار تخصیص داده شده خبره λ_m ، به شاخص λ_m است. پس از محاسبه ارزش فازی و برای قضاوت در خصوص هر یک از شاخص‌ها، ارزش فازی به دست آمده برای هر یک از شاخص‌ها را فازی‌زدایی¹ نموده تا امکان مقایسه و ارزیابی به وجود آید. در این پژوهش از روش فازی‌زدایی مرکز سطح² که به ترتیب دارای روابط (2) می‌باشد، استفاده شده است (حبیبی و همکاران، ۲۰۲۰).

$$\hat{F} = (L_j = \min(x_{ij}), M_j = \sqrt[n]{\prod_{i=1}^{nm} x_{ij}}, U_j = \max(x_{ij})) \quad (1)$$

$$DF_{ij} = \frac{(U_{ij} - l_{ij}) + (m_{ij} - l_{ij})}{3} + l_{ij} \quad (2)$$

سواری فازی، با در نظر گرفتن ترجیحات تصمیم‌گیرندگان به تخمین وزن معیارها، می‌پردازد. (Petrovic et al.2020) مزیت مهم این روش نسبت به سایر روش‌های وزن‌دهی معیارها، در توان آن برای ارزیابی دقت نظر خبرگان است و براساس توافق جمعی میان کارشناسان صورت می‌گیرد (حیدری و همکاران ۱۳۹۷). در این تکنیک، ابتدا خبرگان و کارشناسان، با یکدیگر مشورت کرده و معیارها را به ترتیب اهمیت فهرست می‌کنند و این مشورت نتایج حاصله را نسبت به دیگر روش‌های وزن‌دهی دقیق‌تر و آن را به روش‌های کیفی نزدیک‌تر می‌کند (عرب و همکاران، ۱۳۹۶). با توجه به رابطه (۱) میانگین نظرات فازی خبرگان به صورت نزولی مرتب‌سازی می‌شود. در گام بعدی اختلاف هر شاخص با شاخص قبل از خود (S_j) محاسبه و ضریب رشد هر شاخص با استفاده از رابطه (۳) تعیین شد.

$$\tilde{K}_j = \begin{cases} \tilde{1} & j = 1 \\ S_j \oplus \tilde{1} & j > 1 \end{cases} \quad (3)$$

1. Defuzzification
2. Area Center

پس از محاسبه ضریب رشد، میزان اهمیت بازیابی هر شاخص (\tilde{q}_j) طبق رابطه (۴) بدست آمد.

$$\tilde{q}_j = \begin{cases} \tilde{I} & j=1 \\ \frac{\tilde{q}_{j-1}}{\tilde{K}_j} & j>1 \end{cases} \quad (۴)$$

با استفاده از خروجی \tilde{q}_j ، وزن نسبی معیارها از رابطه (۵)، مشخص شد.

$$\tilde{W}_j = \frac{\tilde{q}_j}{\sum_{j=1}^n \tilde{q}_j} \quad ; \quad \tilde{W}_j = (\tilde{w}_{jl}, \tilde{w}_{jm}, \tilde{w}_{ju}) \quad (۵)$$

در گام پایانی، وزن قطعی هر عامل با استفاده از رابطه (۲)، حاصل شد.

یافته‌های پژوهش

شاخص‌های ارزیابی سیاست‌های فرهنگی پس از انجام مطالعات کتابخانه‌ای و همچنین دریافت پیشنهادات اولیه خبرگان، به صورت زیر شناسه گذاری شد:

کم توجهی به ارزیابی بهنگام آسیب کاهش سرمایه اجتماعی رسانه ملی (a)؛ اکتفا نمودن متولیان به نظرسنجی‌ها، بدون در نظر گرفتن متغیرهای برون‌زا و مداخله‌گر (b)؛ عدم بازنگری و روزآمد نمودن سیاست‌های فرهنگی (c)؛ کم توجهی به ارزیابی پیامدهای اقتصادی گرایش به شبکه‌های ماهواره‌ای (d)؛ کم توجهی به نهادهای مردمی و مراکز دانش بنیان و افکارسنجی در تدوین سیاست‌ها (e)؛ نبودارزیابی‌های مستقل و دقیق از سیاست‌های فرهنگی مرتبط در گذشته (f)؛ عدم تدوین الگوی سیاست‌گذاری در مواجهه با شبکه‌های ماهواره‌ای (g)؛ نبود پژوهش‌هایی جهت ارزیابی نقاط قوت، نقاط ضعف، آسیب‌ها و تهدیدات

سیاست‌های تدوین شده (h)؛ عدم ارزیابی نظامات حقوقی سیاست‌های تدوین شده در خصوص شبکه‌های ماهواره‌ای مبتنی بر نظرات موافقان و مخالفان (i)؛ نبود همگرایی در خصوص تدوین و اجرای طرح مهندسی فرهنگی کشور در گذشته (علی‌رغم توصیه‌های امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)) (j)؛ نبود نهادهای ارزیاب و پایشگر در خصوص ارزیابی سیاست‌های اعمال شده با تکنیک‌های تحلیل داده مبتنی بر زمان (k)؛ کم توجهی به انجام پژوهش‌های کاربردی در سطح مدارس و دانشگاه در جهت القاء اهداف و تهدیدات شبکه‌های ماهواره‌ای (l)؛ عدم توجه و پایش جنگ‌های ادراکی و شناختی در شبکه‌های ماهواره‌ای (m)؛ عدم تمایل سیاست‌گذاران به خروجی پژوهش‌های کمی و کیفی انجام شده (n)؛ نبود پژوهش‌های اثرگذار در خصوص تبیین منظومه فکری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در تدوین سیاست‌های فرهنگی مرتبط با شبکه‌های ماهواره‌ای (o)؛ عدم ارزیابی همسویی سیاست‌های تدوین شده با تنوع فکری و شکاف نسلی در جامعه (p)؛ کاهش همگرایی دیدگاه‌ها و نظریات مفید دینی با دیدگاه‌های علمی در تدوین سیاست‌های رسانه (q)؛ ارزیابی یکسان بازیگران اجرایی سیاست‌های تدوین شده و نبود شاخص‌های موزون و اولویت‌دار (r)؛ دردسترس نبودن ارزیابی‌های میان‌مدت از سیاست‌های تدوین شده (s)؛ عدم وجود شاخص‌های ارزیابی مرتبط با سیاست‌های اقتصادی، آموزشی و اجتماعی در بطن سیاست‌های فرهنگی (t)؛ نبود داده‌های آماری مورد تایید به منظور تحلیل میزان اثربخش بودن سیاست‌های تدوین شده (u). با استفاده از میانگین کران‌های پایین و بالای نظرات خبرگان، بازه کلی طیف خاکستری مشخص و سفیدسازی به منظور شناسایی و غربالگری شاخص‌ها در جدول (۴) انجام شد و پارامترهایی که سفیدسازی آن‌ها کم‌تر از ۵ باشد، از شاخص‌های پژوهش حذف می‌شود. پس از دریافت نظرات خبرگان به صورت طیف فازی ۹ سطحی و تعیین میانگین هندسی فازی مثلی، ضریب رشد (\bar{K}_j) و همچنین اهمیت نسبی فازی متغیرها (\bar{q}_j) به صورت جدول (۵)، تشکیل شد. مطابق نظر خبرگان و اجماع ایجاد شده، شاخص (t)، به عنوان مهمترین عامل تعیین و با توجه به رابطه‌های (۳) و (۴)، ضریب رشد و همچنین اهمیت نسبی فازی آن ۱ در نظر گرفته شد و سایر متغیرها نسبت به این شاخص، سنجیده شد.

بررسی
پنل خبرگی
خاکستری

نتیجه ارزیابی	سفید سازی	میانگین نظرات	شناسه شاخص
پذیرش	۵,۴۵	[4.8,6.1]	a
پذیرش	۵,۶۵	[4.7,5.6]	b
پذیرش	۵,۸۵	[5.3,6.4]	c
پذیرش	۵,۵۰	[4.8,6.2]	d
عدم پذیرش	۳,۳۵	[2.8,3.9]	e
پذیرش	۶,۱	[5.5,6.7]	f
پذیرش	۵,۲	[4.5,5.9]	g
عدم پذیرش	۴,۲	[3.6,4.6]	h
عدم پذیرش	۴,۲۵	[3.7,4.8]	i
پذیرش	۵,۶۵	[5.1,6.2]	j
عدم پذیرش	۳,۹۵	[3.3,4.2]	k
پذیرش	۵,۴	[4.7,6.1]	l
پذیرش	۶,۵	[5.6,7.4]	m
عدم پذیرش	۳,۸	[3.3,4.3]	n
پذیرش	۵,۵	[4.8,6.2]	o
پذیرش	۵,۱۵	[4.6,5.7]	p
عدم پذیرش	۴,۴	[3.7,4.9]	q
پذیرش	35۵,	[5.3,6.4]	r
پذیرش	۵,۵	[4.9,6.1]	s
پذیرش	۵,۲۵	[4.8,5.7]	t

جدول (۴):
شاخص‌ها در
تکنیک دلفی

عدم پذیرش	۴,۳۵	[3.9,4.8]	u
-----------	------	-----------	---

جدول (۵): ضریب رشد (\tilde{K}_j) و اهمیت نسبی (\tilde{Q}_j) متغیرها

\tilde{q}_j			\tilde{K}_j			متغیر
U_{ij}	M_{ij}	L_{ij}	U_{ij}	M_{ij}	L_{ij}	
1	1	1	1	1	1	t
0.869	0.847	0.833	1.20	1.18	1.15	g
0.730	0.705	0.677	1.23	1.20	1.19	j
0.608	0.568	0.533	1.27	1.24	1.20	o
0.490	0.450	0.413	1.29	1.26	1.24	p
0.385	0.340	0.305	1.35	1.32	1.27	m
0.308	0.253	0.219	1.39	1.34	1.25	s
0.229	0.180	0.153	1.43	1.40	1.34	a
0.157	0.120	0.100	1.52	1.49	1.45	c
0.101	0.074	0.061	1.63	1.61	1.55	b
0.061	0.044	0.036	1.66	1.65	1.63	d
0.036	0.026	0.021	1.70	1.67	1.66	f
0.020	0.014	0.011	1.82	1.79	1.75	l
0.010	0.007	0.005	1.86	1.84	1.82	r

سپس، وزن نسبی فازی و وزن قطعی هر متغیر، در جدول (۶) بدست آمد. با توجه به رابطه (۵)، هرچه فاصله کران‌های فازی پایین (L_{ij})، میانی (M_{ij}) و بالا (U_{ij}) در \tilde{W}_j بیشتر باشد، میزان اهمیت متغیر بیشتر خواهد بود. همچنین با تعیین شاخص‌های مهم‌تر، اجماع در پنل خبرگان به آسانی محقق می‌شود لذا فاصله کران‌های فازی هر متغیر نسبت به متغیر قبل از خود، به مراتب کم‌تر است.

جدول (۶): وزن نسبی و قطعی متغیرها

W_j	\tilde{W}_j			متغیر
	U_{ij}	M_{ij}	L_{ij}	
0.210	0.228	0.206	0.191	t
0.176	0.190	0.174	0.166	j
0.146	0.154	0.145	0.139	g
0.118	0.122	0.117	0.116	m
0.094	0.094	0.094	0.093	p
0.072	0.074	0.070	0.070	o
0.053	0.059	0.052	0.050	c
0.048	0.044	0.037	0.035	a
0.043	0.030	0.025	0.023	s
0.040	0.019	0.015	0.014	r
0.023	0.012	0.009	0.008	b
0.019	0.007	0.005	0.005	d
0.015	0.004	0.003	0.003	l
0.012	0.002	0.001	0.001	f

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

متأسفانه اصول سیاست‌های فرهنگی کشور همسو با ایجاد نسل در کشور تغییری نیافته و علیرغم تاکیدات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) مبنی بر مقابله با جریانات انحرافی در حوزه دین و زدودن خرافات، تعالی و مقاوم سازی فرهنگی و همچنین تحقق توسعه متناسب با مقتضیات فرهنگی، به نظر می‌رسد فرآیندهای تصمیم‌گیری عینی و مبتنی بر شواهد زمانی، جایگاه متزلزلی در نظام ارزیابی سیاست‌گذاری دارد. به گونه‌ای که «ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم^۱». هدف از این پژوهش شناسایی آسیب‌های ارزیابی سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در

۱. بیانیه گام دوم انقلاب (۱۳۹۷)

خصوص شبکه‌های ماهواره‌ای بود که با استفاده از دیدگاه تعداد ۱۵ نفر از خبرگان حوزه رسانه و در محیط عدم قطعیت پیاده‌سازی شد. خبرگان پژوهش بر این نکته تاکید داشتند که توجه به پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده از سوی نهادی غیر حاکمیتی و غیر ذی‌نفع در سیاست‌گذاری می‌تواند ساختاری شفاف از اثربخشی سیاست‌های تدوین شده ترسیم نماید که در این خصوص، باید به مقالات، پژوهش‌ها و طرح‌های انجام شده در سطح دانشگاه‌های معتبر کشور، توجه بیشتری شود. از طرفی دسترسی آزاد به اطلاعات و گزارش و فعالیت‌های انجام شده مرتبط با سیاست‌های تدوین شده، فراهم شود تا با در نظر گرفتن متغیرهای برون‌زا و مداخله‌گر ارزیابی کیفی تری در خصوص بهره‌برداری موثر از شبکه‌های ماهواره‌ای انجام شود. همچنین با توجه به کاهش سرمایه اجتماعی اجتماعی رسانه ملی در نزد مخاطبین، نتایج نظرسنجی‌های انجام شده در خصوص شبکه‌های ماهواره‌ای که توسط نهادهای حکومتی انجام می‌شود، ممکن است با ابهاماتی همراه باشد و بنظر می‌رسد توجه به پژوهش‌های انجام شده توسط نهادهای خصوصی، محدودیت‌های ایجاد شده در دسترسی به محتوای شبکه‌های ماهواره‌ای را با افق دید بهتری نشان دهد. همچنین در بخش دیگر تجزیه و تحلیل داده‌ها مشخص شد، خبرگان پژوهش تمایل بیشتری به رویکردهای امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در مواجهه روزآمد (در عین توجه به مرزهای هنجارشکنانه) با شبکه‌های ماهواره‌ای دارند به گونه‌ای که الگوبرداری صحیح از کاربرد این نظام رسانه‌ای پرچالش، می‌تواند مسیری تازه در مواجهه با جنگ‌های ترکیبی دشمنان باشد. همچنین باید اذعان نمود که سیاست‌گذاران به فرصت‌ها و محاسن شبکه‌های ماهواره‌ای توجه کمتری دارند و این می‌تواند به عدم شناخت صحیح از مخاطبین، عدم تمایل به ارزیابی‌های میدانی و همچنین نامتوازن بودن شاخص‌های دینی و علمی در تدوین سیاست‌های فرهنگی رسانه مرتبط باشد.

خروجی تکنیک دلفی خاکستری نشان داد، شاخص‌های (u)، (q)، (n)، (k)، (i)، (h)، (e) در اجماع کلی خبرگان، قرار نگرفته و از جدول شاخص‌های پژوهش حذف شد. با توجه به اجماع خبرگان و نتایج تکنیک سوارای فازی، شاخص عدم وجود شاخص‌های ارزیابی مرتبط با سیاست‌های اقتصادی، آموزشی و اجتماعی در بطن سیاست‌های فرهنگی، با ضریب ۰,۲۱۰ بیشترین میزان اهمیت را در ارزیابی سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در منع استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای دارد. همچنین نبود همگرایی در خصوص تدوین و اجرای طرح مهندسی فرهنگی کشور در گذشته با

ضریب ۰,۱۷۶، عدم تدوین الگوی سیاست‌گذاری در مواجهه با شبکه‌های ماهواره‌ای با ضریب ۰,۱۴۶، عدم توجه و پایش جنگ‌های ادراکی و شناختی در شبکه‌های ماهواره‌ای با ضریب ۰,۱۱۸، عدم ارزیابی همسویی سیاست‌های تدوین شده با تنوع فکری و شکاف نسلی در جامعه با ضریب ۰,۰۹۴، نبود پژوهش‌های اثرگذار در خصوص تبیین منظومه فکری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در تدوین سیاست‌های فرهنگی مرتبط با شبکه‌های ماهواره‌ای با ضریب ۰,۰۷۲، عدم بازنگری و روزآمدن‌مودن سیاست‌های فرهنگی با ضریب ۰,۰۵۳، کم توجهی به ارزیابی بهنگام آسیب کاهش سرمایه اجتماعی رسانه ملی با ضریب ۰,۰۴۸ و در دسترس نبودن ارزیابی‌های میان‌مدت از سیاست‌های تدوین شده با ضریب ۰,۰۴۳، از آسیب‌های مهم دیگر شناسایی شده است. با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌شود، نهادهای سیاست‌گذار در حوزه رسانه و شبکه‌های ماهواره‌ای، بیش از پیش موارد زیر مورد توجه قرار دهند:

- تدوین الگوی سیاست‌گذاری جامع شبکه‌های ماهواره‌ای با در نظر گرفتن همزمان پارامترهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و آموزشی

- همگرا نمودن نهادهای پژوهشی در تدوین و اجرای طرح مهندسی فرهنگی کشور تدوین پژوهش‌های کاربردی در بسط و تعمیم منظومه فکری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، در خصوص کلیدواژه‌های فرهنگی در برنامه‌های توسعه ۵ و همچنین بیانیه گام دوم انقلاب.

- توجه بیشتر به ارزیابی‌های میان‌مدت در طول اجرای سیاست‌های تدوین شده با در نظر گرفتن ساختارالگوهای زمانی

- روزآمدی و انعطاف‌پذیری سیاست‌گذاری‌ها، متناسب با نیاز جامعه بویژه در مواجهه با تنوع فکری و شکاف نسلی

- توجه به سنت تحقیق اجتماعی کاربردی و ایجاد انگیزه برای ارزیابی بدون در نظر گرفتن منافع حزبی

- تدوین شاخص‌های سرمایه اجتماعی رسانه ملی و سنجش وضعیت آن در جامعه به صورت پیوسته

- ارزیابی همزمان نقاط قوت، ضعف، چالش‌ها و فرصت‌های ایجاد شده در سیاست‌گذاری شبکه‌ها ماهواره‌ای

-تدوین همزمان شاخص‌های دینی، علمی و اجتماعی سیاست‌گذاری فرهنگی در شبکه‌های
ماهواره‌ای و ایجاد توازن و همگرایی در بین آنها

فهرست منابع

- Aghajani, N., Hossein-nejadkhaki, Y. (2018). "From ideology to policy-making patterns in the Western cultural system (investigating the origin of political theories in formulating cultural policies)" *Islam and Social Studies Quarterly*, No. 27. [In Persian]
- Islami, R., Jafari Moghadam, H. (2019). "Government building and social network policy making in Iran", *General Policy Quarterly*, No. 6. [In Persian]
- Aslanzadeh, F. (2014). "Analysis of cultural policy making, with an emphasis on Habermas' theory of communicative action", *News Science Quarterly*, No. 31. [In Persian]
- AmirEkhrud, S., Salehi-Amiri, S., Soltanifar, M., Rezaei, A.A. (2014). "Presenting a model for the media's cultural policy in Iran" *Social and Cultural Strategy Quarterly*, No. 17. [In Persian]
- Pourali, R., Chohanmard., Reza, A.R. (2013). "Investigation of people's attitude towards the observance of citizen's rights in the implementation of the plan to deal with satellite receiving equipment", *Journal of Intelligence and Criminal Research*, No. 9 [In Persian]
- Ramazani, M., Partoi, A., Ayouzzadeh, H., Jafari, F. (2018). "Cultural policy of the Islamic Republic of Iran: background, patterns and harms with an emphasis on the concept of authority". *Social and Cultural Strategy Quarterly*, No. 32 [In Persian]
- Sadrinia, Hossein. (2014). "Evaluation of the Law Prohibiting Satellite Networks; Expectations and Realities", *Majles and Strategy Quarterly*, No. 80 [In Persian]
- Abdi Gonabad, R., Danshvar Mohammadzadegan, F. (2019). "Obstacles and problems of cultural policy making in Iran after the Islamic Revolution", the second festival of the best works of Islamic humanities, Tehran. [In Persian]
- Alam, R., Badiei, M. (2019). "Pathology of cultural policy with a view on the place of national identity in cultural policy making", *Journal of Government Studies in the Islamic Republic of Iran*, No. 46 [In Persian]
- Kabli, R. (1400). "Proposals on the implementation of the cultural policies of the 13th government" <http://www.shabestan.ir>, 12/12/1400 [In Persian]
- Homayun, M.H., Farajnejad, M.H. (2013). "Comparative study of the cultural policies of the Islamic Republic of Iran at the macro and medium levels", *biannual scientific research journal of religion and cultural policy*, number 3 [In Persian]
- Matlabi, M., Kazemi, A., Hourieh, A. (2016). "Cultural policymaking and new social media in the Islamic Republic of Iran; challenges and solutions", *Journal of Political and International Research*, Year 8, Number 33 [In Persian]
- Muzaffar, H., Rezaian, M., Haji Parvaneh, A.A., Elhambakhsh, M. (2018). "Designing a cultural policy model of the national media", *National Defense Strategic Management Studies Quarterly*, No. 12 [In Persian]
- Moqtadai, M., Azghandi, A. (2015). "Pathology of Cultural Policy of the Islamic Republic of Iran", *Political Science Quarterly*, No. 34 [In Persian]
- Narmaki, A. (2018). "Presenting a model for content analysis of cultural policies", *Cultural and Communication Studies Quarterly*, No. 20 [In Persian]
- Najatpour, M., Sadeghi, Z., Yousfi-Joibari, M. (2016). "Pathology of Political Culture in Iran after the Islamic Revolution", *Sociological Studies Quarterly*, No. 37 [In Persian]
- Nazakhti, F. (2014). "Satellite policy making in Iran: opportunities and problems", *Quarterly Journal of Satellite Studies and New Media*, No. 9 [In Persian]
- Borrás, S& M. Laatsit (2019) *Towards system oriented innovation policy evaluation? Evidence from EU28 member states. Research Policy.*

- Foruzande, L., Hajipour, E & Rashedi, H. (2019). A Holistic View on the Pathology of Public Policy in Iran, *Journal Of Modern Developments management and Accounting*.
- Johnson, B.P., Castellani, B., Hills, D., Penn, A & Gilbert, N. (2021). Policy evaluation for a complex world: Practical methods and reflections from the UK Centre for the Evaluation of Complexity across the Nexus.
- Johnson, B.P & Giorgi, P.A. (2020). How do policy evaluators understand complexity? *Evaluation*
- Lema, G.D., Guijarro, A.M & Duréndez, A. (2022). Operating, financial and investment impacts of Covid-19 in SMEs: Public policy demands to sustainable recovery considering the economic sector moderating effect, *International Journal of Disaster Risk Reduction*.
- Mergoni, A & Witte, K.D. (2021). Policy evaluation and efficiency: a systematic literature review
- Papazoglou, G. (2019). Society and Culture: Cultural Policies Driven by Local Authorities as A Factor in Local Development—The Example of the Municipality of Xanthi-Greece, Department of Social Policy, Panteion University.
- Rothgang, M & Lageman, B. (2022). Systems Analysis in Innovation Policy Evaluation the Unfulfilled Promise, for Research and Technology Policy Evaluation.
- Smith, T., Harvey, N & Clarke, B. (2014) Science into policy? Discourse, coastal management and knowledge. *Environ. Sci. Policy*.
- Treasury, H.M (2020) *Magenta Book Supplementary Guide: Handling Complexity in Policy Evaluation*. London: Treasury.
- Uyarra, E & R, Ramlogan (2017) Cluster policy in an evolutionary world? Rationales, instruments and policy learning. In D. Fornahl and R. Hassink (Eds.) *The Life Cycle of Clusters. A Policy Perspective*. Cheltenham, UK, Northampton.

